

## ارزش مادی سکه‌شناسی

سکه‌شناسی علاوه بر سودهای معنوی و علمی که بما میبخشد منافع مادی و عملی نیز دربردارد. درحقیقت سکه‌شناسی دو جنبه دارد: جنبه علمی و جنبه عملی. ارزش سکه‌شناسی را از لحاظ علمی و معنوی در فصل پیش بر شمر دیم، اینک در این فصل بچگونگی ارزش مادی و عملی سکه‌شناسی میپردازیم:

لزوم صرفه جوئی و پس انداز:

توجه فرموده‌اید که مورچه چگونه و با چه حرارتی گندم را دانه دانه بدنشان میکشد و بلانه میبرد و اندوخته میکند. مورچه بیش از آنچه مصرف یکروز است در جمع آوری آذوقه همت میگذارد، این آذوقه اضافی را برای مصرف زمستان گرد میآورد زیرا حس غریزی باو میفهماند که در زمستان گندم نمیروید و نایاب است و بارانهای متوالی سطح زمین را تبدیل بیاتلاق میکند و برف زمین را میپوشاند، پس اگر توشه برای زمستان تهیه نکنند از گرسنگی تلف میشوند.

خداوند متعال که این حس پیش بینی را بمورچه بی‌مقدار عنایت فرموده البته بشر را که خود را اشرف مخلوقات میشناسد از این غریزه پیش بینی بی بهره نساخته است: انسان را نیز بحکم طبیعت امر فرموده از فردای خود غفلت نورزد و از آنچه امروز بدست میآورد اندکی نیز برای نیازمندیهای آینده خود پس انداز کند. فلسفه ایجاد ثروت و سرمایه از اینجا پدیدار میشود. ولی در عین حال البته باید جداً و اکیداً بر حذر بود که در این باره راه مبالغه را نه پیمائیم واصل کلی را فدای فرع جزئی نسازیم و ثروت را کمال مطلوب خود قرار ندهیم و اندوخته را فقط آنقدر ضروری بدانیم که رفع نیازمندیهای واقعی ما را بکنند و از آنها مک در آن بپرهیزیم. پس بهمان اندازه که میانه روی و پس اندازی ممدوح است حرص و طمع ورزی مذموم است و باید از آلودگی بدان بر حذر بود که گفته اند «خیر الامور اوسطها».

پس انداز از راه جمع آوری سکه و تهر :

در میان ملل راقیه عادت بر این جاری است که فرزندان را از آن کودکی بگردن آوردن سکه و تهر معتاد میسازند تا بدین وسیله از صغر سن بی زحمت بسیار دو منبع ثروت را با اختیار آنها بگذارند : ثروت مادی و ثروت معنوی . از این لحاظ سکه و تهر شباهت تام باهم دارد ، زیرا هر دو متضمن جنبه تاریخی و علمی و همچنین جنبه مالی و مادی است ، تهر و سکه در کشورهای مختلف و در زمانهای متوالی و بجهت متفاوت رایج و منتشر میشود و بدین مناسبت هر سکه و تهری مظهر يك واقعه تاریخی است ، سکه و تهر تدریجاً و با صبر و حوصله و در طول سالیان دراز جمع آوری میشود و عجله و شتاب بی مورد در گرد آوردن آنها بکار نمیرود ، سکه بازی و تهر بازی را میتوان با صرف کمترین هزینه آغاز نمود یعنی حتی با صرف يك مبلغ بسیار جزئی میتوان سکه یا تهری را بدست آورد و باین تفنن پرداخت و حس گنجکاری کودک را با نخستین سکه یا تهر تحریک کرد و او را بگرد آوردن مجموعه و ادار ساخت . چون کودک بدین امر توجه یابد اشتیاق او روز افزون شود و تا پایان عمر از اشتغال بدان دست نکشد و بدین وسیله سهل و آسان روز بروز بر سرمایه مادی و معنوی خود بیافزاید .

برتری سکه شناسی :

هر چند تعداد تهر شناسان بیش از سکه شناسان است و شاید در تمام جهان بالغ بر بیست و پنج میلیون نفر به تهر بازی اشتغال داشته باشند ولی بطور تحقیق منافع مادی و معنوی سکه شناسی بر تهر شناسی بجهت مختلف برتری دارد زیرا تاریخ پیدایش تهر به يك قرن و نیم نمیرسد در صورتیکه بیش از دو هزار و هفتصد سال است که سکه بوجود آمده و رایج شده است : در این مدت ۲۷ قرن چه وقایع مهم تاریخی که رخ داده و در سکه منقوش و منعکس شده و چه شهریاران و رجال سیاست که آمده و رفته اند و آثار آنها بر سکه های آنها باقی مانده است . پس معلوماتی که ما میتوانیم از سکه بدست آوریم بمراتب بیشتر از تهر است که زمان رواج آن خیلی کوتاه تر است . این مدت طولانی که از عمر سکه میگذرد دانشمندان و مورخین را فرصت مطالعه و تحقیق بیشتری

عنایت کرده و بهمین جهت کتابهای بسیاری راجع بسکه‌شناسی در زبان‌های مختلف منتشر شده و می‌شود و حال اینکه دامنه تمرشناسی از لحاظ زمان و وقایع تاریخی خیلی محدودتر است.

از جهت ارزش مادی نیز سکه بدو دلیل بر تمر رجحان دارد: نخست آنکه سکه ارزش ذاتی دارد: زر یا سیم یا پلاتین یا الکترون است، سکه هر چه نیارزد اقلاً بهای فلزی خود را از دست نمیدهد ولی تمر يك قطعه ناچیز کاغذی است که از جهت کاغذبودن کمترین ارزشی را ندارد و هیچ استفاده‌ای از آن متصور نیست. دوم آنکه سکه از جهت آتش‌سوزی و پاره‌شدن و گم‌شدن بمراتب بیش از تمر مورد اطمینان است، تمر ممکن است با اندک غفلتی از میان برود و بکلی نابود شود ولی سکه پایدارتر است و حتی اگر يك گوشه از تمر پاره شود تمر بی‌فایده و بی‌ارزش می‌گردد و حال آنکه سکه از این نوع خطرات محفوظ است.

يك سرچشمه سرمایه روزافزون:

منافع مادی که از سکه‌بازی بدست می‌آید محسوس و آشکار است. مثلاً چون کودک را از سن ده سالگی عادت بجمع‌آوری سکه دهند هنگامیکه شصت‌ساله شود نیم قرن از زمان سکه‌بازی و سکه‌شناسی او گذشته است، نیم قرن ممارست در سکه‌شناسی و جمع‌آوری سکه گذشته از معلومات فراوانی که در رشته‌های تاریخی و سیاسی و هنری بدو ارزانی می‌دارد سکه‌هایی را که در طی پنجاه سال خریداری کرده‌اند از آنها تا هزار و دو هزار و هشتاد هزار مرتبه ترقی کرده باشد. مثلاً هم‌اکنون سکه‌هایی یافت می‌شود که بالغ بر دو بیست هزار و سیصد هزار ریال ارزش دارد مسلماً بهای این گونه سکه‌ها در آغاز انتشار خیلی ناچیز بوده و بهرور سنوات بر بهای آنها افزوده شده است. کسانی که بسکه‌شناسی عادت می‌کنند و علاقه پیدا می‌کنند پیوسته کوشش دارند حتی الامکان از هزینه‌های غیر ضروری بکاهند و از هر جهت صرفه‌جویی کنند و آنچه بدین طریق بدست بیاورند بمصرف خرید سکه برسانند حتی خردسالانی که علاقه بسکه دارند بخش عمده مستمری هفتگی خود را بخرج خرید سکه می‌رسانند و

بچشم خویشتم میبینند که : قطره قطره جمع میگردد و انکهی دریا میشود .  
سکه بازی یک سرمایه روزافزون و زیان ناپذی است که هر چه از عمر آن بگذرد  
مستقیم و غیرمستقیم بر بهای آن افزوده میشود : از یکطرف با هر صرفه جوئی مختصری  
مقداری سکه جمع آوری میشود و از طرف دیگر همین سکه های معمولی که امروز  
به بهای ارزانی خریدیده میشود هر چه از تاریخ رواج آن بگذرد نایاب تر و گران بها تر و  
پرارج تر میگردد .

پس یکی از هواریت پرارجی که میتوان بفرزند بخشید تشویق فرزند است  
بسکه شناسی و از این راه دوسر چشمه فنا ناپذیر در آمد مادی و معنوی بهره او میشود که  
اورا همیشه بکار آید .

علاوه بر سیر صعودی بهای مجموعه سکه، از جهت دیگری نیز سکه شناس استفاده  
میکند : چه بسا سکه شناسان که در نتیجه معرفت باین فن برخی اوقات سکه های بسیار  
مهم و نایاب و گران بهائی را بقیمت بسیار ارزان و تقریباً مفت بدست میاورند، بهای حقیقی  
اینگونه سکه ها صدها بلکه هزاران مرتبه بیشتر از جوهری است که بمصرف خرید آنها  
میرسد : در هر شهر مهمی دکانهای انتیک فروش وجود دارد ، اغلب اوقات در این دکانها  
سکه های کهنه یافت میشود و چون هر انتیک فروشی سکه شناس نیست زیرا سکه شناسی  
علم خاصی است چه بسا انتیک فروشانی که سکه های مهمی را ارزان میخرند و با مختصر  
سودی میفروشند و از ارزش واقعی آنها غافل اند . برای توضیح این مطلب بذکر چند  
مثال میپردازیم :

سکه خسرو پرویز و پوران دخت :



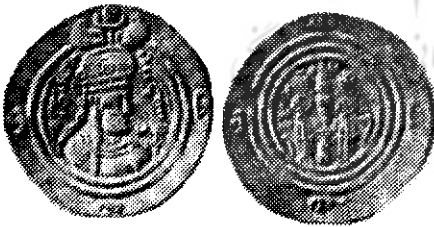
سکه خسرو پرویز

بسیاری از سکه های ساسانی در ظاهر  
شبه یکدیگر است : یک سمت سکه تصویر  
پادشاه است و سمت دیگر تصویر آتشکده  
است که دونگهبان در دو سمت آن قرار

دارند البته ارزش هر سکه بسته به فراوانی یا کمیابی آنست .

یعنی هر نوع سکه که فراوان ضرب شده و آسان بدست آید طبعاً ارزان است و بالعکس: مثلاً سکه‌های خسرو پرویز بقدری فراوان و ارزان است که بهای آنها در حدود بهای نقره بیش نیست زیرا خسرو پرویز مدت ۳۷ سال سلطنت کرد و در زمان او ایران توانا و دارا و بزرگ بود و سکه‌های خسرو مکرر ضرب شده و خیلی فراوان و هنوز هم باسانی یافت میشود. میگویند در یکی از حفاریهای شهر قدیم ری بقدری سکه ساسانی کشف شد که آنها را با ناوه بیرون میآوردند.

ولی سکه‌های پوراندخت که ظاهراً فرق بسیاری با سکه‌های خسرو پرویز ندارد در حدود پانصد مرتبه گرانتر است زیرا دوران سلطنت پوراندخت مقارن با ایام هرج و مرج ایران بوده و سلطنت وی بیش از یکسال و پنجماه دوام نیافته و طبعاً در این مدت کوتاه و با این اوضاع آشفته کمتر فرصت ضرب سکه بدست آمده است. پس سکه‌های پوراندخت خیلی نایاب و گرانبهاست تا جائی که تا بامروز بیش از دوازده عدد از آن یافت نشده است کسانیکه بسکه شناسی آشنا نیستند نمیتوانند بین این دو نوع سکه را باسانی فرق



سکه پوراندخت

بگذارند. پس سکه‌شناسان از فرصت استفاده میکنند و هر دو نوع را بیک قسمت میخرند و حال آنکه یکی ده ریال و دیگری پنجاه ریال ارزش

دارد و سکه‌شناس از برکت علم خود از این معامله سود فراوان میبرد و از این گونه فرصت‌ها و پیش آمدهاست که سکه‌شناس اغلب اوقات استفاده میکند و بر ارزش مجموعه خود میافزاید.

سکه او بکراتید:

چند سال پیش در همدان بقالی بود که سکه کهنه زنک زده‌ای را سنک ترازی

خود قرار داده بود و هیچکس از مردم همدان بدان سکه توجهی نداشت تا آنکه روزی سکه‌شناسی از برابر دکان این بقال گذشت و چشمش بدان سکه افتاد و آنرا شناخت و بهای آنرا از بقال پرسید چون بقال میلی بفروش سکه نداشت بهائی خواست که او نخرد: برای این سکه زنگ‌زده پنجاه ریال خواست ولی سکه‌شناس فوراً بدون چانه‌زدن پنجاه ریال را پرداخت و سکه را گرفت و رفت و بقال از ساده دلی این مرد در شگفت بود که چگونه این سکه زنگ‌زده را پنجاه ریال خرید ولی این سکه او بکرائید بود، بیست استاتاری بود، ۱۷۰ گرم وزن داشت و سکه از طلا بود که زنگ آنرا پوشانیده بود و معلوم نبود از چه فلزی است. این بزرگترین سکه طلای عهد باستان است و هنوز سکه بزرگی این سکه از آن زمان دیده نشده است و اکنون این سکه از کمیابترین و عزیزترین سکه‌های جهان بشمار است و هر چند سکه‌شناس آنرا به پنجاه هزار ریال بکتابخانه ملی پاریس فروخت ولی بهای حقیقی آن شاید در حدود پانصد هزار ریال باشد یعنی ده هزار برابر بهای خریداری شده و اکنون این سکه در کتابخانه ملی پاریس است و از مفاخر این کتابخانه است و شرح آن به تفصیل در کتابها آمده و چون این سکه منحصر بفرد است و دومی آن دیده نشده و بسیار زیباست و از زراست طبعاً بسیار مهم و گرانبهاست.



سکه او بکرائید

داستان سکه‌های بسیار نفیس و نایابی که بهای بسیار ارزان بدست سکه‌شناسان آمده و میاید فراوان است. ما بعنوان نمونه بذکر این دو موضوع پسنده کردیم تا خوانندگان دریابند سکه‌شناسان چگونه علاوه بر استفاده‌های علمی

از فواید مادی نیز بهره‌مند میشوند و توجه بسکه‌شناسی چه منافع گوناگونی در بردارد.